

روی خط

تهران، کارگاه ساختمانی بزرگ



● **نگار صوری:** برنامه «تهران کارگاه ساختمانی: کیفیت زندگی» اولین نشست از جریانی انتقادی است که به اوضاع تهران در چند دهه گذشته می‌پردازد. در این چند دهه تهران آنگنان درگیر ساخت‌وساز بوده که می‌توان تهران را کارگاه ساختمانی بزرگی دانست. در این سال‌ها ساخت‌وساز از میدان‌های اصلی تا کوچه‌پس‌کوچه‌ها رواج داشته است. کارگاه‌های ناتمام و رهاشده هم در گوشه‌وکنار تهران کم نیستند.

پیش از این نشست این جریان در قالب هنر گروهی و مردمی دنبال شده بود. هدف، درگیرکردن مخاطبان با این‌اوضاع شهر و نشستن ایشان در جایگاه هنرمند بود. بخش اول نشست نمایش این آثار بود. برگزیده آن در صفحه اینستاگرام تهران کارگاه ساختمانی (TEHRANCONSTRUCTIONS) آمده است. برنامه بعدی، نمایش فیلم کوتاه «خانه مروراید» بود با موضوع خانواده‌ای که خانه خود را در سال‌های اخیر خراب کرده‌اند. فیلم روایتی از خرابی خانه‌ها در این اوضاع ساخت‌وساز به‌دست می‌دهد و جریانی مقاومت‌ناپذیر را تصویر می‌کند که مردم را به مشارکت در خراب‌کردن خانه‌هایشان تشویق می‌کند.

سیدمحمد بهشتی در سخنان خود این جلسه را نشانه‌ای خسته‌ده دانست، چراکه نشان می‌دهد دستگاه عصبی جامعه فعال است و متوجه این موضوع شده. او گفت که نوعی مطالبه کیفیت نزد مردم در حال شکل‌گرفتن است. چشمانی که پیش‌تر شهر را نمی‌دید، اکنون شهر را می‌بیند. از نشانه‌های این ندیدن، ایوان‌هایی بوده که پیش‌تر پستو شده بودند. ایشان از جامعه حرفه‌ای معماران خواستند که خود را برای دورانی آماده کنند که پس از این خواهد آمد که در آن حجم ساخت‌وساز کاهش می‌یابد و در نتیجه کیفیت جایگزین کمیت می‌شود.

برنامه بعدی، نمایش فیلم کوتاه «جایی برای رویاه‌ها» بود با موضوع خانواده‌ای که خانه خود را در سال‌های اخیر خراب کرده‌اند. این فیلم از همان خرابی قریب‌الوقوع خبر می‌دهد و از اقتصادی روایت می‌کند که به کالبد شهر تزریق می‌شود و همچون موجی به ساکنان فعلی خانه فشار می‌آورد.

برنامه پایانی، میزگردی بود که در آن احمد مسجدجامعی، حمید ناصرخاکی (طراح و مدرس دانشگاه) و مهدی گلچین‌عارفی (هیئت علمی بنیاد دایره‌المعارف اسلامی و برنده جایزه کتاب سال) به ابعد این موضوع پرداختند. از نظر مسجدجامعی ساخت‌وسازهای اخیر بر اثر فشار بازار بوده؛ بازاری که پس از جنگ هرچه‌بیشتر متوجه کالبد شهر شده است. او این فشار را مخرب خاطره‌های جمعی دانست. ناصرخاکی بخشی از جریان را متوجه معماران دانست و از ضرورت توازن برقرارکردن میان ساختن و نساختن نزد معماران گفت. گلچین‌عارفی با مقایسه تصاویر هوایی تهران در ۱۶ سال اخیر از پدیده‌ای منحصربه‌فرد صحبت کرد؛ تغییری در مقیاسی عظیم در گستره شهری بزرگ که بر اثر جنگ یا بلایای طبیعی نبوده است. گلچین‌عارفی گفت که معماران باید راه خود را در آبادانی دنبال کنند و نه در ساختن. در پایان، نگار صوری (گرداننده برنامه) این پرسش را طرح کرد که با وجود حضور و دوام کارگاه ساختمانی در تهران چرا این کارگاه‌ها چندان به هنر امروز راه نیافته است؟ آیا این به آن علت است که این اوضاع شهر را بدیهی دانسته‌ایم و متوز آن را بخشی از فاجعه‌ای که در تهران رخ داده نمی‌دانیم؟

نقد و بررسی رمان «بیرون از گذشته، میان ایوان»

● **گروه هنر:** نشست هفتگی شهر کتاب در روز سه‌شنبه، سوم مرداد، ساعت ۱۶:۳۰ به نقد و بررسی کتاب «بیرون از گذشته، میان ایوان» نوشته مهری بهرامی اختصاص دارد که با حضور دکتر امیرعلی نجومیان، فرشته نوبخت و مهری بهرامی در مرکز فرهنگی شهر کتاب، واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم برگزار می‌شود. این اثر را انتشارات نیلوفر منتشر کرده است و در بخشی از رمان آمده است: «نجسی پشت‌کردن به قصه سیندرا نبود با چیز دیگری نمی‌دانم. هرچه باشد سیندرا که ی‌کی‌یکدانه دنیا بود اگر می‌فهمید یک جفت کشش هست که به پای همه زن‌های دنیا اندازه می‌شود، دماغش به خاک مالیده می‌شد. اما این وسط قصه من با قصه سیندرا یک وجه اشتراک هم داشت...».

عسل عباسیان: بالاخره انتظاها به پایان رسید و پس از چهارسال، اثر شنیداری «غمنومه فریدون» با حضور بیش از هزار نفر از هواداران موسیقی حسین علیزاده و صدای هنرمندانی که هر یک جایگاهی ویژه در حافظه شنیداری این ملت دارند؛ نظیر زده‌یاد مرتضی احمدی، ژاله علو و فاطمه معتمدآریا در فرهنگ‌سرای نیاوران رونمایی شد.

اثری که بنابر گفته مؤلفانش، حسین علیزاده (آهنگ‌ساز) و پیمان قدیمی (نویسنده و کارگردان)، ریشه در احوالات دهه اخیر جامعه ایران دارد؛ نکته‌ای که اهالی گروه «غمنومه فریدون» را همچون اعضای یک خانواده با عشق و محبت کنار هم قرار داده تا اثری ناب خلق کنند.

در واپسین روز تیرماه ۹۶ فضای گالری‌های فرهنگ‌سرای نیاوران، میزبان پدیدآورندگان غمنومه و خیل جمعیتی بود که آمده بودند تا از سرگذشت غم‌انگیز فریدون زمانه‌شان باخبر شوند. نقش‌خوان فریدون، صابر ابر است و نقش‌خوان دیگر علاوه بر مرتضی احمدی، ژاله علو و فاطمه معتمدآریا، حبیب رضایی، فرهاد اصلانی، امیر جعفری، سیامک صفری و آیدآ شاملو هستند که نیما دهقانی آنها را کارگردانی کرده است.

حسین علیزاده معتقد است آلبوم صوتی «غمنومه فریدون» ادای دینی به زبان عامیانه‌ای است که فراموش شده و درواقع نسخه امروزی «شهر قصه» است. جالب آنکه «غمنومه فریدون» پروژه‌ای چندرسانه‌ای است که فعلا فقط نسخه شنیداری آن رونمایی شده و هنوز باید منتظر تئاتر و دیگر نسخه‌های هنری آن باشیم.

در ابتدای نشست خبری «غمنومه فریدون»، علی بوستان که مدیریت پروژه را برعهده داشته، ضمن عرض خیرمقدم به حاضران، از خالقان اثر دعوت کرد تا پاسخ‌گوی سوالات اهالی رسانه باشند. در ادامه، حسین علیزاده در پاسخ به این سؤال که «غمنومه فریدون» چه می‌زان وادار «شهر قصه» بیژن مفید داد، توضیح داد: «وقتی اتفاق خوبی در تئاتر و موسیقی ما می‌افتد، چرا نباید ادامه‌دار باشد؟ ما دچار انقطاعی تاریخی هستیم و آثار هنری‌مان پس از اجرا تمام می‌شوند که حیف است. هیچ ایرادی ندارد که «غمنومه فریدون» را ادای دینی به «شهر قصه» و زبان عامیانه‌ای که در حال فراموشی است، بدانیم. این اثر تقلیدی از

عسل عباسیان: بالاخره انتظاها به پایان رسید و پس از چهارسال، اثر شنیداری «غمنومه فریدون» با حضور بیش از هزار نفر از هواداران موسیقی حسین علیزاده و صدای هنرمندانی که هر یک جایگاهی ویژه در حافظه شنیداری این ملت دارند؛ نظیر زده‌یاد مرتضی احمدی، ژاله علو و فاطمه معتمدآریا در فرهنگ‌سرای نیاوران رونمایی شد.

«شهر قصه» نیست و نسخه به‌روزرشده آن است.» پیمان قدیمی هم درخصوص نسبت «غمنومه فریدون» با «شهر قصه» گفت: «دلیل اصلی من برای خلق این اثر، میل بازگشت به ادبیات شفاهی بود؛ نمونه‌هایی مثل تلاش‌های احمد شاملو در «کتاب کوچه» یا «قصه دخترای ننه‌دربا» یا «پریا» و... . اینها مجموعه‌هایی‌هستند که در محاق فراموشی فرورفته‌اند و «غمنومه فریدون» بازگشتی است به آنها».

قدیمی افزود: «نکته دیگر بلایی است که در نظام آموزشی ما بر سر ادبیاتمان آمده است و می‌آید. نوع تدریس ادبیات در نظام آموزشی ما بسیار ثقیل و سنگین است، به‌گونه‌ای که اشعار شعرای کلاسیک را نیازمند معنی‌شدن کرده است و اجازه ارتباط بی‌واسطه و بدون معنی‌کردن لغات را نمی‌دهد».

حبیب رضایی که علاوه بر نقش‌خوانی، مشاور هنری پروژه نیز هست، گفت: «عقیده من این است که آلبوم «غمنومه فریدون» به خوبی خود را قائم‌به‌ذات است و این‌طور نیست که حتما باید نسخه نمایشی آن هم روی صحنه برود تا تکمیل شود. روزی که نیما دهقانی برای ساخت این اثر با ما صحبت کرد، انگار در تکه زمینی بایر بودیم که دک‌های هم داشت، اما با آمدن حسین علیزاده انگار اتوبانی شش‌طبقه کنار دک‌ه ما ساخته شد.

جزئیاتی از نبش قبر سالوادور دالی

سبیل‌هایی با ۳ دهه قدمت

فرصت‌طلب می‌دانند به جایی نرسید و درخواست تجدیدنظر بنیاد کالا و سالوادور دالی که گشودن گور هنرمند را بی‌احترامی به دالی و میراثش خواندند، راه به جایی نبرد.

اما بازکردن قبر دالی دشوارتر از این حرف‌ها بود. این هنرمند در تابوتی آرمیده بود که زیر سنگی ۱/۵ تنی در آرامگاهی قرار داشت که خود طراحی کرده بود. این آرامگاه هر موزه دالی و از آن بنیاد سالوادور دالی است.پنجشنبه پیشین پس از آنکه آخرین بازدیدکنندگان، موزه را ترک کردند، در تاریکی شب مأموران دولتی دست‌به‌کار شدند. یک جرقه‌یل را برای جابه‌جاکردن سنگ قبر به کار گرفتند و از پوشش‌هایی ویژه برای جلوگیری از فیلم‌برداری پنهانها استفاده شد.جسد هنرمند به ناریسیس بارداله سپرده شد؛ کسی که پس از مرگ دالی نیز بدن او را برای خاک‌سپاری آماده کرده بود. بارداله پس از بازکردن تابوت به رسانه‌ها گفت که شگفت‌انگیز است که پس از سه دهه سبیل‌های معروف دالی همچنان مانند عقربه‌هایی که روی ساعت ۱۰:۱۰ به خواب رفته باشند، محکم

در خانه می‌دانستند و مادر بزرگش در کودکی او را از هویت واقعی پدرش آگاه می‌کند و می‌گوید که پیلاز نیز مانند دالی عجیب‌وغریب است.

مارتینز که زنی فالگیر است و یک برنامه فال تاروت در تلویزیون اسپانیا دارد، بارها تلاش کرد از راه‌های گوناگون حرفش را ثابت کند. بار نخست تلاش شد که نمونه‌گیری DNA از روی آثار مو و پوست به‌جامانده روی ماسکی که دالی در یکی از فستیوال‌های موسوم به فستیوال مرگ به چهره زده بود انجام شود، اما نتیجه‌ای به دست نیامد. بار دوم یکی از دوست‌سالی برای پایان‌دادن به این ماجرا وسایلی را که زمانی مال این نقاش بودند در اختیار آزمایشگاه قرار داد تا برای نمونه‌گیری استفاده شوند. هرچند دوست این هنرمند بعدها به رسانه‌ها گفت که آزمایشگاه پنهانی به او گفته است که جواب تست منفی بوده، اما پیلاز ادعا کرد که نتیجه را دریافت نکرده است.

از آنجا که سالوادور دالی و همسرش، کالا، فرزندی نداشتند، همه ثروت خود را وقف دولت اسپانیا و بنیادی کردند که خود بنا نهاده بودند. پیلاز با این دو نهاد وارد دعوا شد و دست‌آخر پس از یک دهه درگیری، دادگاهی در ایالت کاتالان اسپانیا تنها راه آشکارشدن حقیقت را نبش‌قبر هنرمند دانست. اعتراض دوستداران این نقاش که پیلاز را متقلبی

هنر

آخرین آلبوم «حسین علیزاده» با استقبال مخاطبان روبه‌رو شد

صف چندساعته برای خرید «غمنومه فریدون»



عکس: علی ملکی

اگر نسخه تئاتری هم داشته باشیم، خوب است، اما بدون آن هم «غمنومه فریدون» می‌تواند به حیات خود ادامه دهد.» نیما دهقانی نیز با تأیید صحبت‌های حبیب رضایی افزود: «این اثر نه ایرا تئاتر است و نه نمایش رادیویی. درواقع تئاتری شنیداری است که انگار به جای دیوار چهارم‌ش (دیواری فرضی مابین بازیگران و تماشاگران)، پرده‌ای سیاه کشیده‌ایم. وقتی پیمان، متن «غمنومه فریدون» را برای من آورد، شعر بود و ما بارهاوبارها خواندیمش تا این شعر تبدیل به نمایش‌نامه شد و استاد علیزاده که آمد، رویش رنگ با پاشید.»

سیس صابر ابر که در این اثر نقش فریدون را برعهده دارد، گفت: «متن تکرارنشدنی «غمنومه فریدون» حال خوبی برای من داشت که فراموشش نمی‌کنم. جای خالی کسانی را که امروز با به دلیل مشغله کاری نتوانستند پیش ما باشند و کسانی که دیگر روی این خاک نیتند به‌شدت احساس می‌کنم و سهم بزرگ مرتضی احمدی را. تمام تلاش ما این بود که شأن مخاطب را حفظ کنیم و سلیقه‌اش را تغییر ندیم. اگر فرهاد فروزی و همکارانش تلاش کردند طراحی متفاوتی برای این اثر انجام دهند به دلیل میلشان به ارتقای سطح سلیقه مخاطب بود و اگر حسین علیزاده روی کارش حساس است و وسواس دارد و دیربه‌دیر

عسل عباسیان: بالاخره انتظاها به پایان رسید و پس از چهارسال، اثر شنیداری «غمنومه فریدون» با حضور بیش از هزار نفر از هواداران موسیقی حسین علیزاده و صدای هنرمندانی که هر یک جایگاهی ویژه در حافظه شنیداری این ملت دارند؛ نظیر زده‌یاد مرتضی احمدی، ژاله علو و فاطمه معتمدآریا در فرهنگ‌سرای نیاوران رونمایی شد.

کار می‌کند برای این است که ارتقای سطح سلیقه مخاطب را مهم می‌داند.» علیزاده در ادامه با اشاره به نام مرتضی احمدی که صابر ابر به آن اشاره کرد، گفت: «هروقت نام مرتضی احمدی می‌آید، ناخودآگاه اشک شوق به چشمم می‌آورد. او هرچند نقشی منفی در این اثر داشت، اما آن‌قدر خوب بود که ناچار می‌شدید همان نقش منفی را هم دوست داشته باشید.»

او در ادامه در مورد نسبت موسیقی فاخر با زبان عامیانه هم توضیح داد: «هرچقدر تلاش کنیم فاخرتر و ادبی‌تر حرف بزنیم، از مردم دورتر می‌شویم؛ مثلاً در مورد شنیدن اشعار خیام، حافظ و مولوی از زبان عروسک در اپراهای عروسکی، هیچ‌وقت در باور من نمی‌گنجد که این اشعار کلاسیک را از زبان عروسک بشنوم؛ هرچند برای ساختش تلاش بسیار زیادی شده است. معتقدم موسیقی جدی می‌تواند با زبان محاوره پیوند برقرار کند و می‌توان شعر و ترانه‌ای نوشت که محاوره‌ای باشد، اما به درد موسیقی فاخر هم بخورد.» در پایان نشست خبری، حسین علیزاده از همه کسانی که در مسیر تولید «غمنومه فریدون» همراهی‌اش کردند تشکر کرد و تشکر ویژه‌اش از صبا علیزاده، فرزندش بود که همیشه با او همراه و همدل است.

پس از نشست خبری، صف طولانی هوادارانی که نسخه نفیس این اثر شنیداری را پیش‌خرید کرده بودند تا نیمه‌شب اول مرداد ادامه پیدا کرد و خیل مشتاقان صف چندساعته را تاب آوردند تا علاوه بر تحویل اثر، با آهنگ‌سازی که موسیقی‌اش سال‌ها در نشانان نستسته، عکس یادگاری بگیرند و حسین علیزاده هم با صوری با جمعیت هزارنفری خوش‌وبش کرد و در مقابل دیواری که تایتوگرافی فرهاد فروزی از عنوان «غمنومه فریدون» بر آن نقش بسته بود ایستاد و عکس یادگاری گرفت.

داغری عمومی «غمنومه فریدون» روز گذشته پس از رونمایی از نسخه کلکسیونی آن در تمامی مراکز فرهنگی و کتاب‌فروشی‌ها توزیع شده و باید منتظر ماند و دید مواجهه مخاطب ایرانی با این اثر که ریشه در فرهنگی اصیل و دیرین دارد چگونه خواهد بود؛ شبکه‌های اجتماعی حتماً به‌زودی بازخوردهای این اثر را نمایان خواهند کرد.

«صد اثر صد هنرمند» ۲۵ساله شد

از عکس «کیارستمی» تا دیوار هنرمندان

قیمت‌گذاری شده‌اند و همسایه اثری کمتر دیده‌شده هنرمند می‌گذرد. لیلی گلستان این روزها در حالی با صد اثر صد هنرمند جنب‌وجوشی به مرداد راکد تجسمی داده که این نمایشگاه سالانه همچنان مخاطبان و دوستداران هنر را به گالری جمع‌وجور گلستان در خیابان دروس می‌کشاند. گلستان حساب اعداد و ارقام را دارد و به گفته خودش نمایشگاهی را با «۹هزارو ۱۲۵ روز» قدمت برپا کرده که البته کار آسانی نبوده و نیست. ازهمین‌رو در انتهای دعوت‌نامه‌اش برای نمایشگاه، این چنین خود را توصیف کرده: «لیلی گلستان خسته و زپادآورآمده و خوشحال».



روز افتتاحیه ۳۵ کار در مجموع به قیمت ۱۲۵ میلیون تومان به فروش رسید که به گفته لیلی گلستان ۷۰ درصد این آثار متعلق به جوانان بود. در این نمایشگاه که ۲۵۷ اثر به خریداران آثار هنری پیشنهاد شده، کارهایی با طیف‌های متنوع در ابعاد بسیار کوچک تا آثار ۱۰۰ در ۷۰ در سبک‌های مختلف هنری روی دیوار است.

شاید بخش هیجان‌انگیز این

نمایشگاه آنجاست که در مقابل در ورودی آثاری کمتر دیده‌شده از هنرمندان مدرنیست و بنام ایرانی به چشم می‌خورد: کارهایی از علی ترقی‌جاه، ناصر اویسی، فرامرز پیلازم، رضا مافی، فرح اصولی، پرویز کلاتسری، ایران درودی، منوچهر معتبر، سیاحش کسرابی و دو اثر بسیار منحصربه‌فرد در قطعی کوچک از محمد احصابی که مخاطب را همان دم در ورودی میخکوب می‌کنند؛ این کارها از ۹ میلیون تومان تابلوی کوچکی از فرح اصولی شروع می‌شود و تا اثر ۸۰ میلیون تومانی کلاتسری پیش می‌رود.

دیگر آثار ارزشمند این دیوار با قیمت‌های متنوع ۲۵، ۳۰، ۴۰، ۴۵ میلیون تومان در معرض دید است. مجسمه‌ها بخش جذاب صد اثر بیست‌وپنجم است که کارهایی از هنرمندان سرشناس ایرانی مانند ژاژه تانباغی، محمدحسین عماد، رضا قربادی و دیگران را با قیمت‌های مناسب دوونیم‌میلیون تومان تا هشت میلیون تومان ارائه می‌کند.

اما روی دیوار سمت چپ گالری گلستان، دیواری که پشت میز معروف خانم لیلی گلستان است، آثار گران‌قیمت نمایشگاه به تماشا گذاشته شده است: ابتدا دو کار که گران‌ترین آثار این دوره

هستند جلوه‌گری می‌کنند، تابلوهایی آدین آغداشلو و فرامرز پیلازم که هریک ۹۰ میلیون تومان

زیر آسمان فیروزه‌ای

هفدهمین سالمرگ احمد شاملوبر سرمزارش یاران، به مرافقت چو دیدار کنید



● **گروه ادبیات:** ۱۷ سال از مرگ احمد شاملو، از بزرگ‌ترین شاعران معاصر ما می‌گذرد. به این مناسبت اهالی فرهنگ، ادبیات و شعر و دوستداران او که بسیاریه و از هر طیف و طایفه و نسلی، در روز دوشنبه، دوم مرداد، ساعت پنج عصر در گورستان امامزاده طاهر، بر سر مزار او جمع می‌شوند تا یاد او را زنده کنند. در این مراسم به عادت همیشه، اشعاری از احمد شاملو خوانده می‌شود و سخنانی نیز در قدر و جایگاه این شاعر بزرگ ایراد می‌شود. او شاعری بود که جهان را آباد و رها می‌خواست و انسان را جویای شکوه ازپارفته‌اش، پایش را به خاطر بیماری بربریدن، اما همچنان به‌با و استوار بر استوای زمین ایستاده بود و برای عدالت، آزادی و برابری، برای «آلسان» شعر می‌سرود که «انسان‌داه‌شدن تجسد وظیفه بوده». در این سالیانی که از رفتن احمد شاملو می‌گذرد، درباره او کتاب‌ها و مقالاتی منتشر شده است و دو سالی است که جایزه‌ای به‌نام او برای شعر معاصر برپا شده و در این مدت، آتارش از مجموعه‌شعرها تا ترجمه اشعارش بارها و بارها چاپ شده است. شاملو در غیابش هم حرف‌های تازه‌ای برای ما دارد؛ نمونه‌اش حرف «چ» از مجموعه «کتاب کوچه» که به‌تازگی به‌عنوان جلد دوازدهم «کتاب کوچه» و اوقضا پس از ۱۲ سال انتظار، در نشر مازیار منتشر شده است.

کاربران مجازی درباره فیلم مدیری چه می‌گویند

● **گروه هنر:** تب‌وتاب تازه‌ترین ساخته مه‌ران مدیری تنها چندروز پس از اکران عمومی این فیلم سینمایی هنوز هم داغ است و حضور مدیری در سالن‌هایی که فیلمش به نمایش گذاشته شده است، میل به حضور مردم به تماشای فیلم را بیشتر می‌کند. در راستای تبلیغات این فیلم از عنوان «ساعت ۵ عصر» استفاده شده و قرار است هرروز ساعت پنج عصر اتفاقی در سینماهای نمایش‌دهنده فیلم رخ دهد. همین موضوع بسیاری را برای دیدن فیلم در سینماها مشتاق‌تر می‌کند. مه‌ران مدیری در تازه‌ترین صحبت‌هایش از طنز حاکم در فیلم جدیدش گفته و اینکه «طنز فیلم من، طنز مضطح در سینما نیست...»، همین اسلام موضوع مدیری و بازخوردهایی که در چندروز اخیر بسیاری از مخاطبان این فیلم در فضای مجازی منتشر کرده‌اند تا حدی ذهنیت درباره اثر جدید مدیری را تغییر خواهد داد. مدیری

در «ساعت ۵ عصر» شیوه دیگری از قصه‌گویی و طنز را به تصویر کشیده است که شاید برای بسیاری از مخاطبان آتارش تازگی داشته باشد؛ همین موضوع تجربه جدیدی در کارنامه او محسوب می‌شود، اما از سوی دیگر قطعا واکنش‌ها در برابر اولین ساخته سینمایی او نیز متفاوت خواهد بود. با نگاهی به برخی از صفحات مجازی و سایت سینما تیکت می‌توان تا حدی متوجه نقطه‌نظرات مخاطبان در روزهای ابتدای اکران، «ساعت ۵ عصر» نسبت به فیلم شد. شخصی به نام رضا نوشته است: «نباید انتظار طنز داشته باشیم، بیشتر ترازدیه از فرهنگ ضعیف‌مون نمی‌دونم چرا باد فیلم اسرار کنج دره جنی ابراهیم گلستان افتادم». اس. او نوشته است: «اتفاقاً ژانر فیلم کم‌دی نیست! و اگر انتظار لحظاتی سراسر لبخند و قهقهه بی‌محتوا دارید فیلم را نبینید. فیلم ترکیبی هوشمندانه و خوش‌ساخت و تقریباً خوش‌ریتم است از اتفاقات تلخ اجتماعی که هر یک به افراد متوسط یا سطح‌بالای جامعه می‌تواند آسیب بزند که از این آسیب‌ها به بهترین شکل استفاده شده و در آخر تیر خلاصی ظریف و عمیق کل روایت را قابل‌تأمل و باورپذیر می‌کند. این فیلم پتانسیل قوی برای الگوسازی در سینمای مستقل ایران را دارد. فیلمی که باید دیده شود». میترآ نوشته: «این فیلم متأسفانه در حد و اندازه‌های آقای مدیری نبود و به‌شدت بازی جذاب سیامک انصاری رو هم تخریب کرد».مسعود، فیلم را «بدترین کم‌دی تاریخ سینمای ایران» دانسته و احسان نوشته: «بسیار فیلم عالی و منحصربه‌فردی بود به کار نو از مه‌ران مدیری. به نظر من مه‌ران مدیری خودش را پیدا کرد. پنج عصر فیلمی است که آدم را شش‌دانگ درگیر می‌کنه و نمی‌توانی خودت را به دست فیلم ندی و می‌بینی غرق فیلم شده‌ای که در واقعیت ملموس بی‌مومنی و سخت و دردناک متضک و خنده‌دار، خودت با شخصیت همین‌همراه میشی که باورش برات سخت است. به نظر من اولین اثر مه‌ران مدیری است که از خودش اون رو جدا کرده و تو به مداری دیگر گذاشته. و فیلمی ساخته در قد و قواره سینمای ایران، خیلی سخت ولی به ظاهر ساده و بی‌ادعا». با نگاهی به نظرات مختلف مخاطبان این فیلم سینمایی، باید صبر کرد و دید در چندروز آینده واکنش‌های منتقدان و اهالی سینما نسبت به تازه‌ترین اثر سینمایی مه‌ران مدیری چه خواهد بود و آیا این فیلم خواهد توانست همچنان در صدر اخبار سینمایی باقی بماند و در صدر کیشه سینماها جای بگیرد.